

سربازگیری: نسخه‌ای دربارهٔ اوضاع نظامی عثمانی در

دورهٔ عبدالحمید دوم

لیلا نجفیان رضوی*

مقدمه

نسخ خطی و اسناد موجود در کتابخانه‌های ایران و ترکیه بخش قابل توجهی از تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور، در طول دورهٔ استقرار امپراتوری عثمانیان، را در خود جای داده‌اند. این آثار که اغلبشان در ایران شناخته شده نیستند، گاه به بیان زوایایی از تاریخ آن دوران می‌پردازند که در کتب منتشر شدهٔ مرتبط با موضوع، مغفول مانده و یا کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و بررسی صحت و سقم برخی مطالب آنها، جز با بررسی اسناد به جای مانده از آن دوران میسر نیست. نسخهٔ «سربازگیری» از جملهٔ این آثار است. این نسخه به دلیل نگارش توسط فردی نظامی که تحصیلات نظامی خود را در عثمانی گذرانده است، حاوی شاخصه‌های تاریخ-نگاری دورهٔ قاجاری نیست، اما به دلیل شرح دقیق ابعاد مختلف زندگی نظامیان و قوانین حاکم بر آنها سندی یکه و ارزشمند محسوب می‌شود.

در نگاشته حاضر، پس از معرفی نسخه و بخشهای مختلف آن، ویژگیهای ظاهری و محتوایی اثر را آورده و با تطبیق برخی بخشهای آن با سایر منابع به نقد و بررسی این دست‌نوشته پرداخته‌ایم.

معرفی نسخه

نسخه‌ای که معرفی آن در ادامه خواهد آمد، در کتابخانه آستان قدس مشهد به شماره ۵۷۴۹ و با نام «سربازگیری» ثبت شده است.^۱ مؤلف در انتهای دیباچه (گ ۳) نام خود را عباسقلی سرباز ذکر کرده است. این نسخه ۵۶ برگ دارد و بنا به تقریرات نویسنده، جلد اول از کتابی دوجلدی است که مؤلف قصد تألیف آن را داشته است. خاتمه اثر نیز مشخص است.^۲

نسخه‌ای دیگر از این اثر نیز با نام «رساله‌ای در علوم نظامی» به شماره بازیابی ۸۱۶۰۰۰ در کتابخانه ملی ثبت شده است. در این نسخه نیز همانند نسخه آستان قدس عنوان اثر مشخص نشده است. علاوه بر آن، مؤلف به نام خود نیز اشاره نکرده است، اما محتوا و خط دو دست‌نوشته یکی است و با توجه به اشارات متن (گ ۲)، به نظر می‌رسد که توسط خود نویسنده به رشته تحریر در آمده است.^۳

از میان دو نسخه حاضر، احتمالاً نگارش نسخه موجود در کتابخانه آستان قدس متأخرتر است؛ چراکه در مقایسه با نسخه موجود در کتابخانه ملی با دقت نظر و تفصیل بیشتری به رشته تحریر در آمده است.^۴ هر یک نسخه به تنهایی

۱. در ابتدای نسخه نامی برای آن ذکر نشده است.

۲. نویسنده در پایان اثر (گ ۵۶) تاریخ اتمام آن را (بدون ذکر سال) آورده است و اشاره کرده است که جلد دوم اثرش درباره قوای بری و بحری روس و انگلیس است.

۳. از آنجا که در متن دو نسخه موجود از این اثر، نامی از عنوان کتاب به میان نیامده است، این احتمال که نسخه‌های دیگری از آن نیز به نامهای دیگر در کتابخانه‌های سطح کشور موجود باشد؛ وجود دارد.

۴. در نسخه آستان قدس مؤلف در پایان دیباچه نام خود را ذکر کرده است. همچنین جداول موجود در برگهای ۴۸ و ۴۹ در مقایسه با همتای آن در کتابخانه ملی (گ ۱۰۳-۱۰۴) با

کامل است؛ چرا که هیچ‌یک افتادگی ندارد، اما در صورتی که دو دست‌نوشته را در کنار یکدیگر قرار دهیم، می‌توان گفت نسخه نسبت به دیگری افتادگیهایی دارد که مؤلف بر آنها آگاه بوده است، چرا که گسستی در مطالب دیده نمی‌شود. علاوه بر آن، تفاوت‌هایی در اعداد و ارقام ذکر شده میان دو نسخه وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

معرفی بخشهای مختلف نسخه

با دسته‌بندی عناوینی که نویسنده در تألیف اثر خود به بخشهای مختلف نسخه اختصاص داده است، می‌توان دست‌نوشته حاضر را در سه بخش مجزا مورد بررسی قرار داد:

۱. بخش مقدماتی. در این بخش مؤلف به موضوعاتی همچون سبب تألیف کتاب (گ ۲)، فایدهٔ جنگ (گ ۳)، اصول سربازگیری (گ ۵)، فایدهٔ قشون تحت سلاح (گ ۱۱)، اساس جنگ و چگونگی ترقی آن (گ ۱۲) و ترقی آلات ناربه (گ ۱۵) اشاره کرده است که حدود سی درصد از حجم کتاب را در بر می‌گیرد.
۲. بخش تاریخی. این بخش که تنها در نسخهٔ آستان قدس موجود است با رویکرد نظامی تدوین شده است و تنها حدود ده درصد حجم کتاب را در بر می‌گیرد. در این بخش مختصر به مطالبی همچون اجداد (گ ۱۷) و مسکن اولیهٔ عثمانیان (همانجا)، نحوهٔ استقرار و عملکرد آنان در ابتدای کار (گ ۱۸-۱۹)، نحوهٔ تشکیل سپاه ینی‌چری (گ ۲۰-۲۱)، عملکرد سلیم سوم (همانجا)، انحلال ینی‌چریان در زمان محمود دوم (همانجا)، پیدایش قشون جدید (گ ۲۱) و اصلاحات نظامی پس از سال ۱۲۹۶م (همانجا) به صورت بسیار گذرا اشاره شده است.
۳. بخش اطلاعات نظامی. این بخش بیشترین حجم نسخه (حدود شصت درصد) را به خود اختصاص داده است. مؤلف در ابتدای این بخش مطلبی کوتاه با عنوان «در

دقت بیشتری تنظیم شده است. جدول موجود در برگ ۲۴ نسخهٔ آستان قدس نیز در نسخهٔ کتابخانهٔ ملی وجود ندارد.

بیان امور عسکریه دولت علیه عثمانی» (گ ۲۱) را گنجانیده است و در ذیل این عنوان اشاره کرده است که حل و فصل امور عسکریه در ذیل سه دایره قوای بری (وزارت جنگ)، توپخانه و قوای بحریه صورت می‌گیرد (همانجا)، بنابراین می‌توان بیشتر عناوین کتاب را که در ادامه آمده است، در ذیل این سه عنوان گنجانید: این بخش در واقع شرح عناوینی همچون اردوهای عثمانی (گ ۳۴)، سواران حمیدی (گ ۲۳)، اسامی افواج (گ ۳۱)، وظایف صنوف در جنگ (گ ۳۴) و مدت خدمت سربازی (گ ۳۶) مرتبط با قوای بری است. صحبت از اسلحه (گ ۳۹)، تفنگهای عساکر (گ ۴۰) و باروتها (گ ۴۲) به دایره توپخانه مربوط است و عناوینی همچون قوای بحریه (گ ۴۳)، اسامی کشتیها (گ ۴۴) و اطلاعات مربوط به صاحب‌منصبان بحری (همانجا) در حوزه دایره بحریه قرار می‌گیرند.

در متن به موضوعات مستقلی همچون منصرفات عثمانی (گ ۳۳)، نفوس و تبعه عثمانی (همانجا)، مکاتب نظامی (گ ۴۹) و اخلاق عسکر عثمانی (گ ۴۵) نیز اشاره شده است.

ویژگیهای ظاهری نسخه

یکی از ویژگیهای نسخه حاضر که در قرن چهاردهم و به زبان فارسی نوشته شده است، نگارش متن اثر به خط خوش و کاملاً خوانای نستعلیق در دوازده سطر می‌باشد که به آسانی امکان پیوستگی در مطالعه متن را برای محقق فراهم می‌آورد. ابعاد کتاب ۲۱ در ۱۳ سانتیمتر است. نسخه کامل است، مقدمه و اختتامیه دارد و بخشهای مختلف آن با عناوین متعدد از یکدیگر جدا شده است. به نظر می‌رسد که شماره‌گذاری برگهای کتاب بعداً انجام شده است. نسخه فهرست ندارد.

در نگارش نسخه و بخصوص بخش مقدماتی آن، مؤلف به تناسب موضوع از شعر (گ ۳ و ۵)، حدیث (گ ۲ و ۴)، آیات قرآنی (گ ۴)، ضرب‌المثلهای (گ ۴ و ۴۸) و بعضاً تشبیه و استعاره (گ ۶) استفاده کرده است. رویکرد نظامی نویسنده به طور کامل در تدوین متن تأثیرگذار بوده است به طوری که مؤلف نگارش نسخه را با عبارت «اعلم ان الجنه فی تحت ظلال السیوف» آغاز کرده است (گ ۲).

متأسفانه برای آمار و جداول مفصل ارائه شده در کتاب منبعی ذکر نشده است. در واقع شیوه‌ی تدوین کتاب را می‌توان مشابه سفرنامه‌هایی دانست که مؤلف می‌کوشد دیده‌ها، شنیده‌ها و آموخته‌های خود را بدون ذکر منبعی مشخص بر روی کاغذ آورد.

استفاده از عناوینی همچون «اخطار» (گ ۲۷، ۳۰، ۳۳ و...) و یا «مثال» (گ ۳۱) در بخشهای مختلف اثر بیانگر این امر است که تفهیم مطالب مطروحه به مخاطبان از دغدغه‌های مؤلف بوده است. تنها یک مورد متن غلط املائی در متن دیده شد.

ویژگیهای محتوایی اثر

در مقدمه اشاره شد که نسخه‌ی مورد بررسی توسط فردی نظامی تدوین شده است. تأثیر محیط کار، تحصیلات و محل تحصیل مؤلف در تولید متن کاملاً مشخص است. کتاب با دیدگاهی نظامی به رشته‌ی تحریر در آمده است و این را می‌توان در سراسر کتاب آشکارا دید. استدلالهای مؤلف در بخش مقدماتی اثر در فایده‌ی جنگ — ذکر دلایل عقلی (گ ۳-۴)، شرعی (گ ۴)، شواهد تاریخی (گ ۵) و سخنان حکما و بزرگان غربی (گ ۴) — و رویکرد نظامی او در تدوین بخش تاریخی کتاب (گ ۱۷-۲۲) و ریزینی و دقتش در توصیف و شرح ابعاد مختلف امور نظامی دولت عثمانی (مثلاً تسلیحات عثمانی ← همان، گ ۳۹-۴۲) شواهدی بر این مدعاست. همچنان‌که او به دلیل تحصیل در مدارس نظامی مبتنی بر آموزش تاریخ و فنون نظامی غرب به شیوه‌ی ملموسی تحت تأثیر آرای ناپلئون درباره‌ی جنگ بوده است (مثلاً، نک: گ ۳۴).

دلیل تألیف کتاب که در بخش مقدماتی آمده است^۵ اطلاع از اوضاع نامطلوب نظامی ایران و امید به تغییر و اصلاح شرایط را با آگاهی دادن به مردم

۵. «ضروری بودن آگاهی از وضعیت نظامی، تجهیزات و شیوه‌ی تعلیم افراد در سایر کشورها و به‌خصوص دول همجوار برای مردم عادی و به‌خصوص نظامیان» (نک: گ ۲-۳).

عادی و نظامیان از پیشرفتهای سایر کشورها مستتر دارد؛ چیزی که بلافاصله در شرح اصول سربازگیری در عثمانی خود را نمایان می‌سازد و مؤلف با انتقاد از شیوه خدمت سربازی در ایران در مقایسه با دولت عثمانی به بیان راهکار، به منظور بهبود شرایط حاکم می‌پردازد (گ ۵، ۱۱). نقادی از اوضاع نظامی ایران به همین جا ختم نمی‌شود و کوشش مؤلف برای انتباه خوانندگان از پیشرفتهای نظامی دولت عثمانی در طول تألیف کتاب ادامه می‌یابد. اشاره به شیوه سربازگیری و چگونگی ارائه تسهیلات به نظامیان در امپراتوری عثمانی و بیان اوضاع این امور در ایران (گ ۸، ۱۱)، به طور غیر مستقیم از شرایط نظامیان در زمان مشابه در ایران حکایت داشته و دغدغه نویسنده را برای بهبود خدمت و شرایط سربازی در ایران عیان می‌سازد.

نویسنده در تولید متن خود قصد مشروعیت‌سازی و یا تقرب به فرد یا دولتی را ندارد و به همین دلیل است که نه به معرفی خود پرداخته و نه ردپایی از خویش باقی گذاشته است.^۶ او تنها در ضمن بیان سبب تألیف کتاب به تحصیلات هشت‌ساله خود در عثمانی،^۷ اخذ درجه یابوری، تدریس در فوج خاصه ارتش عثمانی و اشتغال به حرفه‌ای دولتی در بازگشت به ایران اشاره می‌کند (همان، گ ۲) که به نظر می‌رسد در تفصیل این امر نیز، قصدی جز بیان

۶. نسخه کتابخانه ملی، عنوان اثر و نام نویسنده را ندارد. در نسخه آستان قدس نیز نویسنده تنها در انتهای بخش مقدماتی کتاب، نام خود را به اختصار آورده است. او حتی به منصب و جایگاه خانوادگی خود نیز اشاره نکرده است و از آنجا که متن او، نه در ادامه سنت تاریخ‌نگاری ایرانی است و نه بر اساس مطالعه منابع پیشین به نگارش در آمده است، دستنوشته مؤلف بیش از هر اطلاعاتی انعکاس‌دهنده شخصیت، باورها و دغدغه او در نگارش کتاب است.

۷. مؤلف در سالهای ۱۳۰۳-۱۳۱۲ق در امپراتوری عثمانی به تحصیل و سپس (در سال آخر) تدریس نظامی مشغول بوده است. بنابراین حضور او در سرزمین عثمانی در سالهای پایانی حکومت ناصرالدین شاه و دوره میانی سلطنت عبدالحمید دوم بوده است.

تبحر و شایستگی خود برای نگارش نسخهٔ حاضر ندارد.^۸ او در شرح اوضاع نظامی امپراتوری عثمانی نگاهی علت‌یاب و منطقی دارد و این را در عناوین بخشهای مختلف کتاب^۹ و مطالب آنها^{۱۰} می‌توان یافت. نگاه مؤلف به مسائل مختلف گاه ابعاد فلسفی نیز به خود می‌گیرد که، صرف‌نظر از شخصیت نویسنده، شاید بتوان این ویژگی متن را متأثر از آموزشهای گستردهٔ ریاضی به محصلین آن روز مدارس نظامی عثمانی دانست.^{۱۱} بخش تاریخی نسخه کوتاه، با رویکرد نظامی، بدون ذکر منبع و پراشتباه است.^{۱۲} به نظر می‌رسد که نویسنده در نگارش این بخش، تنها به حافظهٔ خود متکی بوده است. بیان رسیدن نسل ترکان به اوغوز خان (گ ۱۷)،^{۱۳} اشاره به مرگ سلیمان پس از پایان هجوم مغول،^{۱۴} بازگرداندن تاریخ استقرار ارطغرل در آناتولی به قرن پنجم هجری (سال ۴۳۰ ق) (گ ۱۸)^{۱۵} و اعتقاد مؤلف به

-
۸. نویسنده در این بخش کار خود، احتمالاً ناآگاهانه، از شیوهٔ دیباچه‌نویسی مکتب هرات و دورهٔ صفوی که میراث آن به دورهٔ قاجار نیز رسید، پیروی کرده است.
 ۹. عناوینی همچون فایدهٔ جنگ (گ ۳)، فایدهٔ سواران (گ ۳۰) و فایدهٔ قشون تحت سلاح (گ ۱۱) در عناوین این نسخه به چشم می‌خورد.
 ۱۰. نویسنده در متن کتاب نیز به شرح مطالبی همچون فایدهٔ باروت‌های بدون دود (گ ۱۴) و دلایل ضعف عملکرد سواره‌نظام (گ ۴۶-۴۷) پرداخته است.
 ۱۱. برای آگاهی از عناوین درسی مکاتب اعدادی و حربی، نک: گ ۴۹-۵۰ و ۵۳. شرح عناوین دروس مکتب حرب تنها در نسخهٔ کتابخانهٔ ملی موجود است (نک: گ ۱۱۰-۱۱۱).
 ۱۲. این بخش در نسخهٔ کتابخانهٔ ملی وجود ندارد.
 ۱۳. شاو در کتاب خود به این نکته اشاره کرده است که اقوام چادرنشین ساکن سرزمینهای آلتایی، پس از حرکت به سمت جنوب و غرب در بین خود به اوغوز معروف شدند (نک: شاو ۱۳۷۰: ۲۲/۱).
 ۱۴. مؤلف آورده است که سلیمان به همراه عشیره‌اش به آسیای صغیر رفت و مدتی در شامات به سر برد و هنگامی که قصد بازگشت به وطن را داشت در فرات غرق شد (گ ۱۸). در حالی که در سایر منابع غرق شدن او را در فرات در زمان فرار از دست مغولان آورده‌اند (نک: شاو ۱۳۷۰: ۴۱/۱).
 ۱۵. شاو (همانجا) مرگ ارطغرل را در حدود سال ۶۷۹ ق می‌داند.

واگذاری اسکی شهر به ارطغرل (گ ۱۸)^{۱۶} و خطبه خواندن عثمان به نام خود در این شهر (گ ۱۹)^{۱۷} از اشتباهات آشکار نگارنده در تدوین این بخش است. همچنان که نسبت دادن شکل‌گیری ینی‌چریان به زمان اورخان (گ ۱۹-۲۰)^{۱۸}، گزارش ایجاد نظام جدید در سال ۱۸۰۰م (گ ۲۱)^{۱۹} و انحلال ینی‌چری در ۱۸۴۰م (گ ۲۱)^{۲۰} نیز به روشنی انعکاس‌دهنده بی‌اطلاعی از تاریخ عثمانی و البته بی‌اهمیت بودن اطلاعات این بخش در نزد مؤلف است؛ بخشی که گویا هدف از تألیف آن چیزی جز پر کردن فاصله میان بخش مقدماتی و بخش گزارش اوضاع نظامی نبوده است.

با این حال در تدوین این بخش دو نکته قابل ملاحظه است: اول آنکه اگر اغلاط زیاد، عدم ذکر منبع و اطلاع نویسنده از تاریخ عثمانی به دلیل تحصیل در مدارس آن سرزمین را مبنایی برای این ادعا قرار دهیم که مؤلف تنها به نگارش بخشی از اطلاعات فراموش نشده‌اش در خصوص تاریخ عثمانی پرداخته است — که ضمن تحصیل در مدارس مختلف نظامی عثمانی فرا گرفته بوده و آنها را مرتبط با موضوع کتاب می‌دانسته است — آنگاه می‌توان پذیرفت که در مدارس نظامی

۱۶. شاو (۱۳۷۰: ۴۲/۱) تسخیر اسکی شهر و قراچه حصار را به عثمان نسبت داده است.

۱۷. مقایسه کنید با شاو (۱۳۷۰: ۴۳/۱) که اعلام رسمی حکومت عثمانیان را به اورخان نسبت می‌دهد.

۱۸. شکل‌گیری ارتش اولیه در زمان اورخان و ینی‌چریان در زمان مراد اول بوده است (نک: شاو ۱۳۷۰: ۶۱/۱-۶۲). با این حال او به درستی در این بخش به تنظیم لایحه برای تشکیل ارتش جدید توسط قره خلیل اشاره کرده است (نک: نسخه آستان قدس، گ ۲۰؛ مقایسه کنید با: اوزون چارشی‌لی ۱۳۶۸: ۱/۱-۱۵۰، ۲۷۲-۱۵۱، ۲۷۳).

۱۹. شاو (۱۳۷۰: ۴۵۳/۱-۴۵۴) زمان استقرار این نیروهای جدید تربیت شده و نه زمان شکل‌گیری آنها را سال ۱۷۹۴ می‌داند و آماری که برای تعداد آنها در سال ۱۸۰۶ — یعنی حداقل دوازده سال پس از شکل‌گیری این سپاه — ارائه می‌دهد ۲۲۶۸۵ نفر است؛ در حالی که مؤلف نسخه حاضر تعداد آنها را در سال ۱۸۰۶ — یعنی تنها شش سال پس از ایجاد سپاه جدید — سی هزار نفر می‌داند (نسخه آستان قدس، گ ۲۱).

۲۰. در منابع دیگر این تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۸۲۶ آمده است (نک: شاو ۱۳۷۰: ۵۴/۲)؛ هامر یورگشتال ۱۳۶۹: ۵/۳۶۶۵-۳۶۶۶؛ نیز، لوئیس ۱۳۷۲: ۱۰۴-۱۰۵).

دوره‌ی عبدالحمید دوم، مشروعیت‌بخشی به نحوه‌ی استقرار عثمانیان در آناتولی بر این مبنا صورت می‌گرفته است که بنیانگذاران این امپراتوری را فرماندهان لایق سلاجقه روم معرفی می‌کردند که به دلیل غزا و جهاد با کفار، از سلطان وقت علاءالدین سلجوقی طبل و علم دریافت کرده و به منصب بیگلربیگی رسیده‌اند و پس از انحلال سلاجقه روم مستقل شده‌اند (گ ۱۹) و بدین ترتیب مشروعیتی ترکی و اسلامی برای حکومت در اذهان محصلین ایجاد می‌کرده‌اند.

نکته‌ی دیگر آنکه نویسنده در تدوین این بخش از اثر نیز آگاهانه هدف ابتدایی خود از تدوین متن را دنبال کرده است. بدین ترتیب که او دوره‌ی تأسیس و استقرار عثمانیان و ایجاد سپاه ینی‌چری را با اشاره به ضعف و اضمحلال ینی‌چریان به دوره‌ی اصلاحات پیوند داده است و بدون اشاره به گزارشهای تاریخی یا حتی نظامی میان دوره‌ی اورخان تا سلیم سوم، به ایجاد نظام جدید اشاره کرده است (گ ۲۰-۲۱). بنابراین او متن را در این قسمت نسخه‌ی نیز به گونه‌ای تنظیم کرده است که به بیان پیشرفت عثمانیان در امور نظامی در زمان معاصر بپردازد، نه آنکه سیر تاریخی رسیدن به این پیشرفت را به مخاطبان انتقال دهد.

بخش سوم نسخه‌ی سربازگیری نیز که به تشریح تسلیحات نظامی و شرایط و اوضاع نظامیان در عثمانی اختصاص یافته و بیشترین حجم کتاب را در بر می‌گیرد، آمیخته‌ای از اطلاعات ارزشمند و یکه و البته نقایص غیر قابل چشم‌پوشی است.

۲۱. این باور و مشروعیت‌سازی در نسخ دیگری که درباره‌ی تاریخ عثمانی در زمان استقرار این دولت تدوین شده است نیز دیده می‌شود. به عنوان نمونه، نک: نسخه‌ی خطی مرات-الادوار و مرقات/الخبار، موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران (شماره ۱۳۳۳)، گ ۸۴۳ و نیز نسخه خطی تاریخ اسدالله، به شماره ثبت ف ۲۰۱۰، موجود در کتابخانه‌ی ملی (شماره ف ۲۰۱۰)، ص ۱۸، به مشروعیت‌سازی بر اساس روایاتی این‌چنینی برای حکومت عثمانی اینالجق نیز اشاره کرده است (نک: اینالجق ۱۳۸۸: ۹۴-۹۵).

اختلاف گزارشها از مدت خدمت سربازی در عثمانی^{۲۲} (امری که تکرار آن در طول متن، نشان از اهمیتش در نزد نویسندگان دارد)، ارائه آمار از تجهیزات و منابع انسانی بدون ذکر تاریخ،^{۲۳} بی‌دقتی فراوان در درج اعداد و محاسبات ساده ریاضی،^{۲۴} تفاوت‌های چشمگیر در آمار و ارقام دو نسخه موجود در کتابخانه ملی و کتابخانه آستان قدس،^{۲۵} انعکاس نگرش نویسندگان نسبت به ترکان در ضمن نگارش متن^{۲۶} و

۲۲. مؤلف در دو جای نسخه به مدت خدمت سربازی اشاره کرده است اما در دو گزارش اختلافی وجود دارد. او مدت خدمت و وظیفه را به اختلاف دو و سه، خدمت در صنف احتیاط را سه و پنج، ردیف را هشت و مستحفظ را شش سال آورده است (نک نسخه آستان قدس، گ ۵ و ۲۳). این در حالی است که شاو (۱۳۷۰: ۴۱۹/۲) مدت خدمت سربازی در صنوف مختلف آن را به ترتیب ۹، ۶، ۳ و ۲ سال قید کرده است.

۲۳. به عنوان مثال، مؤلف به تعداد اسبها در سپاه عثمانی (گ ۲۵)، تعداد کل پیاده نظام در زمان صلح و جنگ (گ ۲۸) و تعداد نیروهای دریایی (گ ۴۳) اشاره کرده است، اما از تاریخی که بر اساس آن این آمار را ارائه داده سخنی به میان نیاورده است.

۲۴. این بی‌دقتی به گونه‌ای است که گاه بر ارزش کل خبر تأثیر گذارده است. به عنوان مثال او تعداد کل پیاده نظام یک اردو را در زمان صلح ۲۵۰۰۰ نفر آورده است اما بر اساس توضیحاتش هر اردو دارای هشت فرقه پیاده است که هر فرقه پیاده در زمان صلح ۶۴۰۰ نفر است؛ بنابراین بایستی تعداد پیاده هر اردو (نیمه اردو) شبیه‌تر است (نک: گ ۲۷). او تعداد کل هر فرقه سواره را نیز ۴۵۰۰ نفر آورده و سپس توضیح داده است که هر فرقه شامل دو فوج، هر فوج پنج دسته و هر دسته ۱۵۰ نفر است بدین ترتیب هر فرقه سواره بایستی ۱۵۰۰ نفر باشد و یا آنکه هر دسته از ۴۵۰ نفر تشکیل شده باشد (همانجا). این بی‌دقتی را می‌توان در بخشهای دیگری از نسخه نیز ملاحظه کرد (به عنوان نمونه نک: همان، گ ۲۵ و ۲۸).

۲۵. مثلاً: تعداد توپچیها در زمان صلح: نسخه آستان قدس ۱۵۴۰۰ (گ ۲۸) و نسخه ملی ۱۵۰۰۰ (گ ۴۷)، تعداد اروپاییان در متصرفات عثمانی: نسخه آستان قدس ۶/۵ میلیون (گ ۳۳) و نسخه ملی ۴/۵ میلیون (گ ۵۷)، مساحت متصرفات آسیایی عثمانی: نسخه آستان قدس ۱۲۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع (گ ۳۳)، نسخه ملی ۲۲۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع (گ ۵۷)؛ مدت خدمت سربازی در صنف ردیف: نسخه آستان قدس هشت سال (گ ۳۵) و نسخه ملی شش سال (گ ۶۲)، مقدار مقرری محصلان: نسخه آستان قدس سال دوم ۱/۵ تومان، سال سوم ۲/۵ تومان (گ ۵۴)، و نسخه ملی سال دوم یک تومان، سال سوم ۱/۷ تومان (گ ۱۰۳-۱۰۴).

کاربرد واژه‌های نامناسب در تنظیم متن^{۲۷} از ضعفهای عمده‌ی این بخش است. اما ارزش بی‌مانند این نسخه در اطلاعات منحصر به فرد و بسیار ریزی است که مؤلف از آنچه دیده، یا از محیطی که در آن تحصیل، زندگی و کار کرده است، در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. اطلاعاتی که بیانگر تاریخ اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، نظامی و تربیتی عثمانیان، در میان سالهای ۱۳۰۳-۱۳۱۲ق است و شاید نتوان برخی از مطالب آن را در میان دیگر کتب و اسناد به جای مانده از آن دوران به دست آورد.

شرح مفصل شیوه‌ی زندگی سربازان در سربازخانه‌ها و قوانین داخلی این اماکن (نسخه‌ی آستان، گ ۳۶-۳۸) نظام آموزشی^{۲۸} و قوانین حاکم بر مکاتب نظامی عثمانی همچون عناوین درسی مقاطع مختلف آموزشی، شیوه‌ی پوشش، برنامه‌ی روزانه، اوضاع مالی محصلین، شیوه‌ی ارتقای آنان و اطلاعاتی درباره‌ی مدرسان

۲۶. او با آوردن جمله‌هایی همچون «به واسطه‌ی خونخوارگی جبلی و بی‌باکی فطری که در این ملت است سبب این تصور شده است ملت عثمانی از نسل ترک است» (گ ۱۷)، یا این مطلب که «... از هوش و ذکاوت به قدری که لازمه‌ی ملت شرق است بی‌بهره‌اند» (گ ۴۶) باور خود نسبت به ترکان را به مخاطب منتقل نموده است.

۲۷. مؤلف در نگارش متن واژه‌ی پادشاه را برای سلاطین عثمانی به کار برده است (نک: گ ۳۸)، یا در بخشی دیگر از نسخه، ترکیب دولت سلجوقیان را به کار برده است (نک: گ ۱۹) و در واقع با واژه‌های امروزی و مصطلح در ایران متن خود را تألیف کرده است.

۲۸. بخش پایانی این نسخه به توضیحاتی عالی از مکاتب نظامی عثمانی (مکتب اعدادی، مکتب رشدی، و مکتب حربی) اختصاص دارد. مؤلف به دلیل تحصیل در هر سه مکتب توضیحات بسیار مفصل و ریزی را از کوچک‌ترین شرایط و عادات و قوانین موجود در این مدارس ارائه داده است. به عنوان مثال، به تامین کلیه‌ی هزینه‌های مکتب اعدادی توسط دولت (گ ۵۱)، وجود رختشورخانه، حمام و بقالی در آن، و امکان رفتن محصلین به خانه‌هایشان در عصر پنج‌شنبه، در صورت عدم تخلف، اشاره کرده است (گ ۵۰). در خصوص مکاتب رشدی آورده است که محصلین می‌توانند شبها به خانه بروند و پس از پایان دوره امکان تحصیل در مکاتب طب، ملکیه و... را دارند (همانجا). در شرح مکتب حربی حتی از عمارت و فضای سبز آن نیز سخن گفته است، به شیوه‌ی اسکان محصلین، غذاخوریها، برنامه‌ی درسی روزانه، نظم بسیار زیاد حاکم بر مکتب و انجام تمرینات عملی در نزدیک استانبول نیز اشاره کرده است. او شیوه‌ی تقسیم نیروها به پیاده و سواره را براساس قرعه‌کشی ذکر کرده است (گ ۵۲).

شاغل در این مدارس و... (همان، گ ۴۹-۵۶)، قوانین مربوط به صنوف مختلف نظامیان (گ ۳۵)، نحوه نامگذاری افواج (گ ۳۱)، تقسیمات زیرمجموعه‌ای در اردوها، پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپچیها، لواها و... و شرح واژه‌های تخصصی مرتبط با هر گروه (گ ۲۶-۲۷)^{۲۹}، قوانین سربازگیری از غیر مسلمانان و شیوه معافی از خدمت سربازی (گ ۲۳) و اماکن استقرار اردوهای نظامی (همانجا)^{۳۰} روشن‌کننده بخشی از ناگفته‌های زندگی اجتماعی نظامیان عثمانی، قوانین و تقسیم‌بندیهای رایج در میان نیروهای نظامی آن روز دولت عثمانی است.

مؤلف به دلیل اقامت در سرزمین عثمانی، برخی از کاستیهای نظامی و مالی عثمانی را از نزدیک لمس نموده و در تدوین اثر خود به خوبی آنها را انعکاس داده است. تأثیرگذاری ضعف مالی دولت عثمانی در میانه دوران حکومت عبدالحمید دوم (دوره اقامت مؤلف در عثمانی) بر اوضاع نظامی از جمله این موارد است. مؤلف به عدم امکان آموزش سربازان ردیف (همان، گ ۳۲) و نبود اسب برای تجهیز آنها (گ ۳۶) ناتوانی حکومت عثمانی از تهیه مهمات کافی (گ ۳۹) یا آغاز جنگ (گ ۳۴) به دلیل شرایط اقتصادی اشاره کرده است. او همچنین از شاهدان مستقیم نقص در اجرای قوانین و اختلال در شیوه انتخاب قانونها (گ ۳۸)^{۳۱} و نیز کمی تعداد قوای بحریه (گ ۴۴) در طول دوران اقامت خود در سرزمین عثمانی بوده است.

اوج تخصص نویسنده و آمیختگی او با امور نظامی در شرح تسلیحات نظامی عثمانی و اشاره به شرایط موجود در ایران در زمان مشابه قابل درک است. مؤلف

۲۹. در نسخه آمده است که هر اردو از هشت فرقه (دو نظام، چهار ردیف و دو مستحفظ) تشکیل شده است. (نک: گ ۲۳). اما در موسوعه عثمانی هر اردو را در زمان جنگ شامل شانزده فرقه (چهار نظامی، یازده ردیف و یک مستحفظ) می‌داند (یلماز اوزتونا ۲۰۱۰: ۳/۴۱۵).

۳۰. در نسخه حاضر هفت مقر برای اردوهای عثمانی ذکر شده است که جز یک مورد آن (ارزنجان) باقی موارد عیناً در موسوعه عثمانی تکرار شده است. در این کتاب به جای ارزنجان، ارزروم آمده است (نک: یلماز اوزتونا ۲۰۱۰: ۳/۴۱۴-۴۱۵).

۳۱. قانونها افراد نظامی تحصیل‌کرده‌ای بودند که بر عملکرد نظامیان نظارت داشتند و هرگونه عمل سوء آنان را گزارش می‌کردند.

به گونه‌ای به تشریح و توصیف انواع توپ، تفنگ و باروت‌های مورد استفاده در سپاه عثمانی می‌پردازد که امکان تصور کوچک‌ترین زوایا و تجهیزات آنان را برای خواننده فراهم می‌کند (گ ۳۹-۴۴). همچنین این شرح و بسط، آگاهی کامل از کلیهٔ تجهیزات عثمانی را در دورهٔ زوال دستگاه خلافت عثمانی ممکن می‌سازد.^{۳۲} مؤلف در مقایسهٔ تجهیزات نظامی ایران با عثمانی به خرید اسلحه‌های خارج از ردهٔ اروپایی به قیمت گزاف و ناهمخوانی سلاحها با فشنگهای موجود در قورخانه‌های ایران اشاره می‌کند و اوج دلواپسی خود از این اوضاع نابسامان را با طرح این سوال که «اگر جنگ شود چه خواهد شد؟» آشکار می‌سازد (گ ۴۰-۴۲). گویی تدوین این اثر تنها چاره‌ای است که مؤلف با همهٔ آگاهیها و نگرانیهایش برای بهبود اوضاع نظامی ایران در پیش روی خود می‌دیده است.

از آنجا که هدف نویسنده از نگارش این نسخه آگاهی دادن به مخاطبان خاص و عام خود از ابعاد مختلف اوضاع نظامی دولت عثمانی می‌باشد، او برای تفهیم بهتر مطالب، در زمان نیاز به تطبیق اطلاعات ارائه شده با معادلهای مناسب در زبان فارسی پرداخته است. نویسنده این تطابق را علاوه بر آنکه در تشریح اوضاع مالی عثمانیان انجام داده است،^{۳۳} در قابل فهم کردن مناصب نظامی نیز این شیوه را به کار بسته است.^{۳۴}

۳۲. جالب اینجاست که مؤلف حتی از تفنگهای سفارش داده شده توسط دولت عثمانی اطلاع دارد (گ ۴۱).

۳۳. مؤلف در زمان اشاره به مصارف نظامی عثمانی (که سه میلیون لیره گفته است)، معادل ریالی آن را نیز قید کرده است که حدود ۱۰۵۰۰۰۰۰۰ بوده است (گ ۳۴). میزان دریافتی هر سرباز را نیز در طول خدمت یک مجیدی یعنی شصت هزار پول ایران آورده است (گ ۳۷).

۳۴. ارائهٔ جداول معادل‌سازی شده برای مناصب نظامی در ایران و عثمانی، اگرچه یکی از بخشهای قابل توجه این اثر است، اما به دلیل اختلافهای موجود میان محتویات این بخش از دو نسخهٔ این اثر با یکدیگر و برخی از منابع دیگر، اعتبار این جداول تا حدی مخدوش است. به عنوان مثال، منصب میر آلی در نسخهٔ کتابخانهٔ ملی (گ ۵۵) معادل سرهنگ و در نسخهٔ آستان قدس (گ ۳۲) معادل سرتیپ سوم آمده است. برای غول آغاسی در نسخهٔ کتابخانهٔ ملی (گ ۵۶) معادلی ذکر نشده است، در حالی که در نسخهٔ آستان قدس (گ ۳۲) معادل یاور دانسته شده است. در موسوعهٔ تاریخ عثمانی نیز فریق پاشا و لوا پاشا (بدون قید

مقایسهٔ اوضاع نظامی ایران و عثمانی در این دست‌نوشته باعث افزودن بخشی ارزشمند به این اثر شده است. «اخلاق نظامی در عثمانی» عنوان مستقلی است که این فرصت را برای نویسنده فراهم آورده است تا در ذیل آن به شرح وضعیت دینی و اعتقادی نظامیان، نگرش آنها به جنگ، شهادت و خلیفهٔ عثمانی بپردازد (گ ۴۸) و از تأثیرگذاری قوانین در زندگی اجتماعی نظامیان سخن به میان آورد.^{۳۵} مؤلف به آسیب‌شناسی ضعف عملکرد سواره‌نظام عثمانی به دلیل رواج تنبلی، خیانتکاری و پیگیری منافع شخصی نیز اشاره می‌کند، اما گویی با ارائهٔ راهکار برای بهبود این شرایط در قالب جملات سوم شخص می‌کوشد تا در پس پرداختن به اخلاق نظامیان عثمانی، مخاطبان خاص خود را از داشتن چنین خلق و خو و صفاتی برحذر دارد.^{۳۶}

توجه به ابعاد تربیتی‌ای که بر شرایط نظامی حاکم در عثمانی تأثیرگذار بوده، نیز از نظر نگارنده دور نمانده است. او به شوق کودکان عثمانی برای رفتن به خدمت سربازی اشاره می‌کند و قصه‌گویی مادران از حماسه‌سازی سربازان در هنگام خواب کودکان را دلیل این اشتیاق می‌داند؛ اشتیاقی که در جوانان ایرانی برای خدمت سربازی نیست و مؤلف ریشهٔ این نقص را در تربیت کودکان ایرانی و تکرار قصهٔ غول و پری به جای حماسه‌سازی برای آنها معرفی می‌کند (گ

محدودیت زمانی) یکی دانسته شده‌اند (یلماز اوزتونا ۲۰۱۰: ۴۱۳/۳)، در حالی که در نسخهٔ حاضر این دو مقام تفکیک شده‌اند (گ ۳۲). البته به برخی از معادلهای ذکر شده نیز در منابع اشاره شده است. به طوری که در کتاب فوق‌الذکر سرعسکر معادل وزیر جنگ آمده است و به مقام مشیر نیز بعد از سرعسکر اشاره شده است (یلماز اوزتونا ۲۰۱۰: ۴۱۲/۳-۴۱۳، مشابه نسخهٔ آستان قدس، گ ۳۲).

۳۵. به عنوان مثال به این نکته اشاره کرده است که صاحب‌منصبان تا رسیدن به درجهٔ یاوری حق ازدواج نداشتند (گ ۴۸).

۳۶. «در محاربه باید چشم از شخصیات و اغراض نفسانیه پوشید و هر فردی هیات جزئیه خویش را فدای نوع ملت بخواهد و به قدری که ممکن است باید شخصیات خود را محو نموده، عداوت و اغراض را با یکدیگر کنار بگذارد و یکدل و یکدست و یک‌زبان با هم بکوشند تا جامعهٔ زنان نباشند» (گ ۴۷-۴۸).

۸۵). او حتی به عنوان یک صاحب‌منصب نظامی شاغل در ایران ترسی از این امر ندارد که به شرح قوانینی از سربازخانه‌ها بپردازد که صاحب‌منصبان را از هتک حرمت سربازان باز می‌دارد.^{۳۷} چراکه او در پس گزارشهای ارزشمند خود به پیشرفت نظامی ایران می‌اندیشد، حتی اگر آگاهی مخاطبان از این قوانین عملکرد او را به عنوان صاحب‌منصبی تحصیل‌کرده در عثمانی به چالش کشند. ضمن آنکه در نگاه او، شیوه‌ی تربیت نظامیان در عثمانی و جایگاه آنان به عنوان فرزندان سلطان است که ظرفیت وجود چنین قوانینی را فراهم می‌آورد؛ قوانینی که رفتار ملایم نظامیان و دعای خیر مردم برای آنها را در پی دارد (گ ۳۷-۳۸). در مجموع می‌توان گفت که نویسنده در تدوین متن اثر خود تنها ارتقای اوضاع نظامی ایران را با آگاهی دادن به مخاطبان در نظر داشته است. او جز در یک مورد — که به تحسین عملکرد عبدالحمید در ارتقای سطح مدارس نظامی می‌پردازد (گ ۴۸) — از کسی تمجید نمی‌کند، کسی را مقصر نیز نمی‌داند، اما می‌کوشد تا پیشرفت نظامی عثمانی را در ابعاد مختلف آن به تصویر کشد. او برای نیل به منظور خود در تدوین تمام بخشهای نسخه به هدف تألیف آن پایبند می‌ماند. هرچند اثر تدوین شده در ارائه‌ی آمار و ارقام پراشتباه است، به منبعی استناد نمی‌کند، بیشتر اطلاعات بخش تاریخی آن نادرست است و توسط فردی غیرمورخ به رشته‌ی تحریر درآمده است، با این حال توضیحات او برای آگاهی از ابعاد مختلف اوضاع نظامی عثمانی در زمان عبدالحمید دوم بارزش است؛ توضیحاتی که مراجعه به آنها برای هر محقق علاقه‌مند به آگاهی از جایگاه نظامی عثمانی، شرایط اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و تربیتی نظامیان و قوانین حاکم بر زندگی آنان است، لازم و ضروری است.

۳۷. او به این امر اشاره می‌کند که کتک زدن و حتی دشنام دادن به سربازان خطایی است که طرد صاحب‌منصبان از نظام را در پی دارد، چراکه این امر بر روحیه و عملکرد سربازان تأثیرگذار است (گ ۳۷). ضمن آنکه امکان شکایت سربازان از صاحب‌منصبان خاطی نیز فراهم است (گ ۳۸).

منابع

- اوزون چارشی لی، اسماعیل حقی، ۱۳۶۸، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، تهران، کیهان.
- اینالچق، خلیل، ۱۳۸۸، امپراطوری عثمانی، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران، بصیرت.
- تاریخ اسدالله، کتابخانه ملی، شماره ثبت ف ۲۰۱۰.
- رساله‌ای در علوم نظامی، کتابخانه ملی، شماره ثبت ۸۱۶۰۰۰.
- سربازگیری، عباسقلی سرباز، کتابخانه آستان قدس مشهد، شماره ثبت ۵۷۴۹.
- شاو، استنفورد، ۱۳۷۰، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضانزاده، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، مشهد.
- لوئیس، برنارد، ۱۳۷۲، ظهور ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سبحانی، مترجم.
- مرات الادوار و مرقات الاخبار، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ثبت ۱۳۳۳.
- هامر، پورگشتال، ۱۳۶۹، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، تهران، زرین.
- یلماز اوزتونا، ۲۰۱۰، موسوعه تاریخ الامبراطوریه العثمانیه السیاسی و العسکری والحضاری، ترجمه عدنان محمود سلطان، تصحیح منصور الانصاری، بیروت، الدارالعربیه للموسوعات.

